

نقش عدم اطمینان، عزت نفس، حس قدرت شخصی و محرومیت

نسبی شخصی در مادی‌گرایی دانشجویان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۵/۳۰

اعظم فرح بیجاری^۱

راضیه قمری^۲

سمانه فعلی^{۳*}

چکیده

مقدمه: مادی‌گرایی به‌عنوان اهمیتی که مردم به متصرفات دنیوی می‌دهند که یک مکان مرکزی در زندگی‌شان اشغال می‌کند و انتظار می‌رود که بزرگترین منبع رضایت یا نارضایتی باشد، تعریف شده است (بلک، ۱۹۸۵). همچنین، تحقیقات نشان داده‌اند که مادی‌گرایی پیشایندهای روان‌شناختی مختلفی دارد. هدف از مطالعه حاضر بررسی نقش عزت نفس، حس قدرت، محرومیت نسبی شخصی و عدم اطمینان در مادی‌گرایی دانشجویان بود.

روش: جامعه آماری این پژوهش تمامی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۶ بود. از این جامعه تعداد ۱۸۱ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود که در آن رابطه بین مادی‌گرایی با عزت نفس، حس قدرت، محرومیت نسبی شخصی و عدم اطمینان با استفاده از پرسشنامه‌های مادی‌گرایی، حس قدرت، عزت نفس، مقیاس محرومیت نسبی شخصی و پرسشنامه عدم اطمینان مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج ماتریس همبستگی متغیرها نشان داد که میان مادی‌گرایی و عدم اطمینان ($p=0/001$)، ($r=0/285$) و محرومیت نسبی شخصی ($r=0/237$ ، $p=0/001$) رابطه مثبت و معنادار وجود داشت. همچنین نتایج رگرسیون نشان داد که پیش‌بینی مادی‌گرایی بر اساس محرومیت نسبی شخصی ($r=0/244$)، $B=0/208$ ، $t=2/08$ و عدم اطمینان ($B=0/216$ ، $t=2/13$) از نظر آماری معنادار بود ($p<0/05$).

نتیجه‌گیری: یافته‌های حاصل نشان داد که در نمونه ایرانی مادی‌گرایی می‌تواند بر اساس متغیرهای محرومیت نسبی شخصی و عدم اطمینان قابل پیش‌بینی باشد.

واژگان کلیدی: مادی‌گرایی، محرومیت نسبی شخصی، عدم اطمینان، عزت نفس، حس قدرت شخصی، دانشجویان

۱. دکترای تخصصی روان‌شناسی اجتماعی، استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه الزهرا (س)، تهران

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه الزهرا (س)، تهران

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، تهران، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

* نویسنده مسئول: Samaneh.feali@yahoo

The role of uncertainty (UC), self-esteem, personal sense of power and personal relative

Azam Farah Bijari¹

Razieh Ghamari²

Samaneh Feli^{3*}

Abstract

Introduction: the materialism as an important subject among people, which occupies a central place in their life and expected to be the greatest source of satisfaction or dissatisfaction, defined (Belk, 1985). Also, Studies showed that the materialism has different psychological antecedents. The aim of this study was to investigate the role of self-esteem, personal sense of power, personal relative deprivation (PRD) and uncertainty (UC) in materialism of students.

Method: The statistical population of this research includes all male and female students of the Tehran University in the academic year 1396. From this community, 181 people were selected by available sampling method. This was a descriptive correlation study focused on the relationship between materialism and self-esteem, personal sense of power, personal relative deprivation, and uncertainty among 181 male and female students of the University of Tehran via questionnaires of these variables.

Results: The results of the variables correlation matrix revealed a positive and significant relationship between materialism and uncertainty ($r=0.0285$, $p=0.001$); and personal relative deprivation ($r=0.237$, $p=0.001$). The results of regression also showed that the prediction of materialism based on the personal relative deprivation ($B=0.244$, $t=2.08$) and uncertainty ($B=0.216$, $t=2.13$) was statistically significant ($p<0.05$).

Conclusion: Results showed that, materialism can be predicted on the base of UC and PRD variables in Iranian sample.

Keywords: Materialism; Uncertainty; Self-esteem; Personal sense of power; Personal Relative Deprivation

1 . Department of Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran

2 . Department of Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran

3 . Department of Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran

*Corresponding author: samaneh.feali@yahoo

مقدمه

مادی‌گرایی^۱ به‌عنوان یک مفهوم نظری و به‌عنوان یک هدف بررسی تجربی از تحقیقات در مورد بازاریابی و مصرف‌وارد حوزه روان‌شناسی شد. این مفهوم در دهه آغازین ۱۹۹۰ توسط بلک^۲ (۱۹۸۵) و ریچینز و داوسون^۳ (۱۹۹۲) مطرح شده است (مالگوزاتا^۴ و همکاران، ۲۰۱۶). از نظر بلک (۱۹۸۵) مادی‌گرایی به‌عنوان اهمیتی که مردم به متصرفات دنیوی می‌دهند، تعریف شده است که این متصرفات نقش اصلی در زندگی‌شان ایفا می‌کند و انتظار می‌رود که بزرگترین منبع رضایت یا نارضایتی برای آنان باشد. در کل از نظر وی مادی‌گرایی به‌عنوان یک مجموعه شخصیتی مرکب از حسادت، عدم سخاوت و مالکیت در نظر گرفته شده است (مالگوزاتا، گرنیک دوراس و پلیچ^۵، ۲۰۱۶).

مادی‌گرایی به‌عنوان یک گرایش ارزشی «مجموعه‌ای از باورها درباره اهمیت متصرفات در زندگی فرد» تصور می‌شود (فورنیر و ریچینز^۶، ۱۹۹۱). افرادی که شدیداً مادی‌گرا هستند، ارزش‌ها، اهداف و باورهایی که بر اهمیت به دست آوردن پول و سایر متصرفات مادی متمرکز است، را تأیید می‌کنند. ریچینز و داوسون (۱۹۹۲) مادی‌گرایی را به‌عنوان باور به سه عنصر کلیدی تعریف کردند: الف) آنها باور دارند که ذخیره منابع مادی یک شاخص کلیدی موفقیت و وضعیت زندگی است؛ ب) آنها کسب کالاهای مادی را به‌عنوان یک اولویت کلیدی زندگی قرار می‌دهند؛ ج) آنها باور دارند که متصرفات مادی به آنها شادی خواهد داد. آنها همچنین دریافته‌اند که مادی‌گراها متصرفات و املاکشان را در مرکز زندگی‌شان قرار می‌دهند. متصرفات به‌عنوان ضرورت برای رضایت بهزیستی‌شان و قضاوت موفقیت‌های خود و دیگران به وسیله کمیّت و کیفیت متصرفات جمع شده است (به نقل از رنل و همکاران^۷، ۲۰۱۷).

از نظر کاسر^۸ شناخت عوامل روان‌شناختی که با مادی‌گرایی ارتباط دارند، مهم است؛ زیرا پیامدهای بالقوه منفی برای افراد و جامعه به همراه دارد. کاسر (۲۰۰۲) و همچنین سرگی^۹ (۲۰۱۲) در تحقیقات خود نشان دادند که پیوند قوی بین مادی‌گرایی و رضایت از زندگی وجود دارد. مادی‌گرایی بالاتر نه تنها با نارضایتی در سطح زندگی بلکه با نارضایتی از میزان سرگرمی در زندگی و روابط و همچنین نارضایتی از زندگی به‌عنوان یک کل ارتباط دارد (رابرت، تسانگ و منولیس^{۱۰}، ۲۰۱۵). مادی‌گرایی همچنین با چند شاخص منفی رفاه مثل تنهایی (پیتر^{۱۱}، ۲۰۱۳)، افسردگی (مولر

1. materialism
2. Belk
3. Richins & Dawson
4. Małgorzata
5. Górnik-Durose & Pilch
6. Fournier & Richins
7. Ronnel, King, Alfonso, Datu
8. Kasser
9. Sirgy
10. Robert, Tsang, Manolis
11. Pieters

و همکاران^۱، ۲۰۱۱)، عزت نفس^۲ پایین (کریستوفر و همکاران^۳، ۲۰۰۶؛ ریچاردز و داوسون، ۱۹۹۲) همراه است (رابرت و همکاران، ۲۰۱۵). یک سری از مطالعات کاسر و رایان (۱۹۹۳، ۲۰۰۱، ۱۹۹۶؛ به نقل از رابرت و همکاران، ۲۰۱۵) نشان داد، کسانی که مادی‌گرایی بالاتری را تجربه می‌کنند؛ هیجان مثبت کمتر و سطح بیشتری از افسردگی، اضطراب و سوء مصرف مواد را احساس می‌کنند (به نقل از: رابرت و همکاران؛ ۲۰۱۵). همچنین رفاه شخصی پایین‌تر و بدهی مالی بیشتری دارند و نیز کمتر نگران مسائل زیست محیطی هستند (کیم و همکاران، ۲۰۱۷).

با توجه به این نتایج منفی، محققان (کاسر و همکاران، ۲۰۰۴؛ شروم و همکاران، ۲۰۱۴) علاقه مند به فهمیدن پیشایندهای مادی‌گرایی شدند. کیم و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیق خود بیان کردند که تحقیقات تجربی و همبستگی نشان می‌دهد که اعتماد به نفس پایین (پارک و جان^۴، ۲۰۱۱)، حس قدرت شخصی پایین^۵ (راکر و گالینسکی^۶، ۲۰۰۸)، احساس عدم اطمینان^۷ (چانگ و آرکین^۸، ۲۰۰۲)، تهدید اقتصادی (شلدون^۹ و کاسر، ۲۰۰۸)، فشارهای درک شده (دیتمار و بنرجی^{۱۰}، ۲۰۰۸) و درآمد کمتر (کاسر، ریان، زاکس^{۱۱} و سامروف^{۱۲}، ۱۹۹۵) به افرادی که ارزش‌ها و اهداف مادی را برآورده می‌کنند، کمک می‌کنند.

احساس عدم اطمینان به‌عنوان یکی از پیشایندهای مادی‌گرایی و یکی از متغیرهای مورد بررسی این پژوهش است که رابرت و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه خود بیان کردند که مادی‌گرایی به‌عنوان بخشی از یک مجموعه بزرگ‌تری از اهداف (برای مثال جذابیت، شناخت اجتماعی، و موفقیت مالی) عمدتاً توسط دفاع و نیاز به امنیت احساس می‌شود، (یعنی احساس عدم اطمینان فرد، مادی‌گرایی را برای جبران آن حالت فرا می‌خواند) همچنین بنا به نظر کاسر و همکاران (۲۰۰۴) و شروم^{۱۳} و همکاران (۲۰۱۴) گرایش به مادی‌گرایی به دلیل یک نوع استراتژی جبرانی برای مقابله با اثرات مضر احساس ناامنی افزایش می‌یابد. بر طبق این گزارش برخی افراد اهمیت بیشتری برای پول، اموال و موقعیت قائل هستند، زیرا به اعتقاد آنها داشتن این چیزها به نوعی موجب کاهش احساسات ناامنی، افزایش احساس قدرت شخصی و یا بهبود خودکشی می‌شود.

1. Mueller, Mitchell, Peterson, Faber, Steffen, Crosby, & Claes
2. self - esteem
3. Christopher, Drummond, Jones, Marek, & Therriault
4. Park & John
5. Personal sense of power
6. Rucker & Galinsky
7. uncertainty
8. Chang & Arkin
9. Sheldon
10. Banerjee & Dittmar
11. Zax
12. Sameroff
13. Shrum

عدم اطمینان یک همراه وفادار زندگی انسان است (تورسکی و کهنمن^۱، ۱۹۷۴). ممکن است درباره اینکه یک شخص چقدر ما را دوست دارد، احساس ناامنی بکنیم؛ چه هنگام قطار بعدی می‌رسد یا چقدر برای خرید یک خانه جدید صرف می‌شود. مردم در مواجهه با عدم اطمینان، به سختی تلاش می‌کنند تا آن را کاهش دهند. با این حال معمولاً مردم مایل به پذیرفتن این هزینه‌ها برای کاهش عدم اطمینان هستند (اینگلس^۲، ۲۰۰۰؛ تیدنس و لیتون^۳، ۲۰۰۱؛ به نقل از: پستن و ماسولر^۴، ۲۰۱۷).

جیانگ و همکاران^۵ (۲۰۱۵) در پژوهش خود عنوان کردند، علاوه بر چهار سود بالقوه آنی از متصرفات مادی (تسهیلات وابستگی، بازسازی امنیت، ارتباطات بین فردی و بازسازی خلق)، مادی-گرایی همچنین ممکن است عزت نفس^۶ را بهبود ببخشد (دامون، لرنر و آیزنبرگ^۷، ۲۰۰۶). ادبیات پیشین نشان داده که مادی‌گرایی با نیازهای افراد یا خودارزیابی منفی مرتبط است. برای مثال، به طور مثبتی با انگیزه وابسته (رز و دی جسوز^۸، ۲۰۰۷)، عدم اعتماد به نفس و عدم اطمینان (چانگ و آرکین، ۲۰۰۲)، خودآگاهی عمومی و اضطراب اجتماعی (شرودر و دوگال^۹، ۱۹۹۵)، ناامنی بین فردی و فردی (کلارک و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۱؛ کریستوفر و همکاران^{۱۱}، ۲۰۰۶) و خواسته‌هایی برای خودکفایی (کیلبورن و لافرگ^{۱۲}، ۲۰۱۰) مرتبط است. همه این یافته‌ها به ارتباط احتمالی بین مادی-گرایی و عزت نفس پایین اشاره دارند. همین طور معتقدند که عزت نفس ضمنی پایین با مادی-گرایی مرتبط است و حتی مادی‌گرایی را تحریک می‌کند. کاسر، (۲۰۰۲) نشان داد که نیروهای ناهشیار ممکن است ارزش‌های مادی‌گرایانه را پنهان کند. پارک و جان (۲۰۱۱)؛ به نقل از: جیانگ و همکاران، (۲۰۱۵) عزت نفس ضمنی را بررسی کردند و نشان دادند که ناهمخوانی زیاد بین عزت نفس ضمنی و عزت نفس آشکار، پیش‌بینی کننده مادی‌گرایی بالا است.

کیم و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیق خود بیان کردند که تحقیقات تجربی و همبستگی نشان می‌دهد که حس قدرت شخصی پایین (راکر و گالینسکی^{۱۳}، ۲۰۰۸) به افرادی که ارزش‌ها و اهداف مادی را برآورده می‌کنند، کمک می‌کند. به طور سنتی، تعاریف مفهومی و عملیاتی قدرت بر کنترل روی منابع ارزشمند تمرکز کرده است. با این حال، قدرت^{۱۴} به سادگی روی منابع، کنترل ندارد یا به

1. Tversky & Kahneman
2. Inglis
3. Tiedens & Linton
4. Posten & Mussweiler
5. Jiang, Zhang, Yunnan Ke, Skyler, Hawk, Hui Qiu
6. self-esteem
7. Damon, Lerner, & Eisenberg
8. Rose & DeJesus
9. Schroeder & Dugal
10. Clark
11. Christopher
12. Kilbourne & LaForge
13. Rucker & Galinsky
14. power

تنهایی از موقعیت اجتماعی فرد تشکیل نشده است. قدرت همچنین یک حالت روان‌شناختی است؛ ادراکی از ظرفیت فرد برای تاثیرگذاری روی دیگران (بوگنتال، بلو و کرازکوسا^۱، ۱۹۸۹؛ گالینسکی و همکاران^۲، ۲۰۰۳). دو نقطه بحرانی اغلب در ادبیات قدرت نادیده گرفته می‌شود: اول؛ احساس شخصی افراد از قدرت که متمایز از شاخص‌های اجتماعی فرهنگی قدرتشان است و با کنترلشان روی منابع، موقعیت قدرت، یا وضعیت در نگاه‌های دیگران گاهی اوقات هم‌زمان است و گاهی اوقات نیست (آندرسون و همکاران^۳، ۲۰۰۶؛ فست و چن^۴، ۲۰۰۹). دوم؛ باورهای افراد درباره قدرتشان می‌تواند تاثیر واقعی‌شان را روی دیگران، بالاتر و فراتر از اثرات موقعیت اجتماعی فرهنگی-شان، شکل دهد. آنهایی که خودشان را به‌عنوان قدرتمند درک می‌کنند، از راه‌های موثرتری که قدرت واقعی‌شان را افزایش می‌دهد، رفتار می‌کنند (بندورا^۵، ۱۹۹۹؛ بوگنتال و لوپس^۶، ۱۹۹۹؛ مودی^۷، ۱۹۷۸). بر این اساس، احساس شخصی قدرت به‌عنوان ادراک توانایی فرد برای تأثیر روی شخص دیگر یا افراد دیگر تعریف می‌شود و نیز احساس شخصی قدرت به‌عنوان یک سازه روان‌شناختی شبیه به باورهای مورد انتظار یا مدل‌های شناختی ارتباط است (بالبی^۸، ۱۹۶۹؛ لری و همکاران^۹، ۱۹۹۵؛ به نقل از آندرسون، جان و کلتنر^{۱۰}، ۲۰۱۲).

کیم و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه خود به بررسی ارتباط بین محرومیت نسبی شخصی^{۱۱} و مادی‌گرایی پرداختند و نتایج حاصل نشان داد که محرومیت نسبی شخصی بیش از متغیرهای دیگر (حس قدرت شخصی، عزت نفس و حس ناامنی) مادی‌گرایی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین در بررسی این ارتباط این نتیجه نیز به دست آمد که مقایسه اجتماعی، نقش واسطه‌ای و عامل مثبت ارتباط بین محرومیت نسبی شخصی و مادی‌گرایی است. طبق گفته اسمیت و همکاران (۲۰۱۲)؛ به نقل از کیم و همکاران، (۲۰۱۷)، تجربه محرومیت نسبی شخصی (PRD) ناشی از یک فرایند است که در آن فرد یک مقایسه اجتماعی را با یک نتیجه به دست می‌دهد، وی معتقد است که فرد خود را به‌عنوان کسی که مورد بی‌عدالتی قرار گرفته است، محروم می‌کند و در نتیجه احساس ناراحتی و نارضایتی می‌کند. یک جنبه کلیدی این فرآیند این است که قضاوت‌های مقایسه‌ای از وضعیت یک شخص - و نه صرفاً یک هدف یا مطلق بودن آن - می‌تواند، احساس ناعادلانه و ناخوشایندی ایجاد کند. به‌عنوان

1. Bugental, Blue, & Cruzcosa
2. Galinsky
3. Anderson, Srivastava, Beer, Spataro, & Chatman
4. Fast & Chen
5. Bandura
6. Bugental & Lewis
7. Mowday
8. Bowlby
9. Leary, Tambor, Terdal, & Downs
10. Anderson, John, and Keltner
11. personal relative deprivation

مثال، یادگیری اینکه یک همکار کارگر، خروجی مشابه داشته باشد، اما دستمزد بالاتر از شما دارد، می‌تواند؛ احساس ناعادلانه و ناراحتی ایجاد کند، حتی اگر شما به لحاظ درآمد مطلق-تان محروم نباشید. بنابراین، حتی افرادی که به خوبی زندگی می‌کنند، می‌توانند در مورد زندگی‌شان احساس ناراحتی کنند؛ در حالی که افرادی که دارای منابع مالی کمتری هستند، لزوماً نمی‌توانند به‌طور ناعادلانه تحت تأثیر قرار گیرند (کرسی، ۱۹۷۶؛ به نقل از کیم و همکاران، ۲۰۱۷). پس این محرومیت نسبی که در نتیجه مقایسه با دیگران احساس می‌شود، می‌تواند؛ پیش‌بینی کننده مادی‌گرایی باشد.

چنان‌چه ملاحظه شد، مادی‌گرایی پیامدهای روان‌شناختی مختلفی دارد که نقش بزرگی در زندگی افراد ایفا می‌کند و بزرگترین منبع رضایت و یا نارضایتی آنان به شمار می‌رود. از آنجا که در مطالعات داخل کشور هیچ‌گونه پژوهشی در این خصوص یافت نشد، لذا بر آن شدیم تا در تحقیق حاضر ارتباط مادی‌گرایی را با متغیرهایی چون محرومیت نسبی شخصی، حس قدرت شخصی، عزت نفس و عدم اطمینان در جامعه خود را مورد بررسی قرار دهیم. این پژوهش توسط کیم و همکاران در سال ۲۰۱۷ انجام شده است که به دلیل اهمیت موضوع در این پژوهش بر روی نمونه‌ای ایرانی اجرا شده است.

روش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد که در آن رابطه بین مادی‌گرایی با عزت نفس، حس قدرت، محرومیت شخصی نسبی و پاسخ نامعلوم در دانشجویان دختر و پسر مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تهران بود که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ مشغول به تحصیل بودند. بر اساس فرمول کوکران تعداد ۱۹۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. پرسشنامه‌ها در اختیار ۲۰۰ نفر از آنان قرار گرفت که تعداد ۱۸۱ پرسشنامه برگردانده شد و برای بررسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش روش نمونه‌گیری از نوع در دسترس بود؛ بدین گونه که از دانشجویانی که در دانشگاه بودند، ضمن دادن اطمینان برای محرمانه و ناشناس بودن اطلاعات و نیز عدم ذکر نام، خواسته می‌شد تا در صورت تمایل در تکمیل پرسشنامه‌ها و انجام پژوهش همکاری نمایند. تمام پرسشنامه‌هایی که به‌عنوان ابزار پژوهشی در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند به استثنای پرسشنامه عزت نفس، توسط پژوهشگران همین پژوهش برای اولین بار به فارسی برگردانده شده‌اند.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسشنامه مادی گرایی: مقیاس مادی گرایی توسط ریچینز و داوسون^۱ در سال ۱۹۹۲ ساخته شده و دارای ۱۸ آیتم است که شرکت کنندگان با استفاده از یک مقیاس ۵ نقطه‌ای (۱ = کاملاً مخالفم، ۵ = کاملاً موافقم) به آیتم‌ها پاسخ می‌دهند. ارزش بالاتر نشان دهنده مادی گرایی بیشتر است (کیم و همکاران، ۲۰۱۷؛ مقاله اصلی). در پژوهش حاضر، از نسخه آلمانی این پرسشنامه که ۱۵ سوالی است، استفاده شده است. این پژوهشگر در ترجمه نسخه آمریکایی به انگلیسی و برگرداندن دوباره، به دلیل عدم توافق کوچکی که در آیتم‌های ۱، ۹ و ۱۵ وجود داشت، آن سه آیتم را حذف کرده است. برای بررسی ثبات دورنی مقیاس‌ها، آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌ها و کل مقیاس محاسبه شد. آلفای کلی به دسته آمده برای مقیاس برابر با ۰/۸۹ بود (مولر و همکاران، ۲۰۱۳). میزان آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش حاضر برابر با ۰/۵۵ بود.

ب) پرسشنامه عزت نفس: در این پژوهش از مقیاس عزت نفس روزنبرگ استفاده شد که در ایران توسط گنجی (۱۳۸۱) (سال) مورد هنجاریابی قرار گرفته است. این مقیاس شامل ۱۰ سوال است که احساس‌های کلی ارزش یا پذیرش خود را به صورت مثبت بیان می‌کند. به هر عبارت پاسخ مخالف یا موافق داده می‌شود. نمره‌گذاری به این صورت است که پاسخ موافق به هر یک از عبارت‌های ۱ تا ۵، +۱ دریافت می‌کند و پاسخ مخالف، -۱. پاسخ موافق به هر یک از عبارت‌های ۶ تا ۱۰، -۱ دریافت می‌کند و پاسخ مخالف به هر یک از عبارت‌های ۶ تا ۱۰، +۱. برای تفسیر نتایج جمع جبری کل نمرات را به دست می‌آوریم. نمره بالاتر از صفر نشان دهنده عزت نفس بالا و نمره کمتر از صفر نشان دهنده عزت نفس خیلی پایین است. به عبارت دیگر، نمره (+۱۰) نشان دهنده عزت نفس خیلی بالا و نمره (-۱۰) نشان دهنده عزت نفس خیلی پایین می‌باشد. بنابراین هر چه نمره بالاتر باشد به همان اندازه سطح عزت نفس بالاتر خواهد بود و برعکس. میزان آلفای کرونباخ این مقیاس در پژوهش حاضر برابر با ۰/۷۰ بود.

ج) پرسشنامه حس قدرت: مقیاس حس قدرت یک ابزاری است که برای مطالعه حس شخصی قدرت طراحی شده است. از دو بخش تشکیل شده است. ابتدا، شخصی که مطالعه را انجام می‌دهد، حوزه (ارتباط) تحقیق را انتخاب می‌کند. در ارتباط با دیگران... در ارتباط با معشوقم (در یک رابطه نزدیک)... یا سایر. بعد از مشخص کردن رابطه که پرسشنامه به آن مربوط بود، پاسخ‌دهندگان به هشت سوال مربوط به قدرت پاسخ خواهند داد. پاسخ‌دهندگان در یک مقیاس از یک (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) پاسخ می-

1. Richins and Dawson

دهند. نمره بالاتر، حس قدرت بیشتر در یک رابطه معین است. ضریب آلفای کرونباخ $0/87$. پایایی رضایت بخش مقیاس را نشان می‌دهد (کوکور، 2017). در مطالعه حاضر فقط از هشت سوال بخش دوم استفاده شد. این آیتم‌ها باورهای مختلف افراد با توجه به چهار حوزه خاص قدرت را ارزیابی می‌کنند: باورها در باره توانایی‌شان برای تصمیم‌گیری در ارتباط، برای تاثیر بر رفتار دیگران، عقاید و باورها، و برای ارضای خواسته‌ها و آرزوهای خودشان در زمینه ارتباطی (آندرسون، جان و کلتنر، 2012). همچنین طبق دستورالعمل در مقاله آندرسون و همکاران سوالات ۲، ۴، ۶ و ۷ با r به معنای نمره‌گذاری معکوس مشخص شده‌اند.

د) پرسشنامه محرومیت شخصی نسبی (PRDS):، باورهای عمومی و احساسات مردم مرتبط با مقایسه پیامدهای شان با پیامدهای مشابه دیگران را اندازه می‌گیرد. PRDS از شرکت‌کنندگان می‌خواهد تا رتبه‌بندی‌شان از آنچه که آنها به طور نسبی مشابه دیگران است را انجام دهند، زیرا چنین مقایسه‌هایی (در مقایسه با مقایسه‌های غیر مستقیم با دیگران) بیشترین اطلاعات تشخیصی را برای خود ارزیابی فراهم می‌کند. شرکت‌کنندگان باید به آیتم‌ها با استفاده از یک مقیاس شش درجه‌ای ($1 =$ کاملاً مخالفم تا $6 =$ کاملاً موافقم) پاسخ بدهند. آیتم‌های ۲ و ۴ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. مقدار بیشتر نشان دهنده PRD بالاتر است. PRDS دارای آزمون‌پذیری مجدد و اعتبار دورنی قابل قبولی است (کالان و همکاران، 2015). PRDS اصلی یک اندازه چهار آیتمی بود که برای به دست آوردن باورها و احساسات عمومی افراد مرتبط با مقایسه پیامدهایشان با پیامدهای مشابه دیگران، طراحی شد. برای بهبود ثبات دورنی مقیاس، نویسندگان جمله‌بندی چهار آیتم اصلی را اصلاح کردند و یک آیتم دیگر به مقیاس اضافه کردند. تمام پنج آیتم بر روی یک مولفه اصلی واحد بارگذاری شده است (کالان، شید، اولسون، 2011).

ه) مقیاس عدم اطمینان هیجانی: مطالعه‌ای توسط گریکو و روگر^۳ (2001) ساختار و اعتبار این مقیاس را مورد ارزیابی قرار داد. آن‌ها یک آیتم ابتدایی را با استفاده از یک تکنیک نمایشی و در یک نمونه 505 نفری گسترش داده و مقیاس جدید را ساخته‌اند که 15 سؤال آن تحت عنوان نامطمئن هیجانی نام‌گذاری شد و پاسخ دهندگان بر اساس یک مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای (هرگز=۱، گاهی اوقات، اغلب، همیشه=۴) به سوالات پاسخ می‌دهند. هم پایایی بازآزمایی ($0/79$) و هم آلفای کرونباخ ($0/89$) برای مقیاس بسیار رضایت بخش بود. مقادیر بالاتر نشان دهنده نامطمئن هیجانی بیشتر است. میزان آلفای کرونباخ برای این مقیاس در پژوهش حاضر $0/77$ بود که رضایت بخش است.

1. Anderson, John, & Keltner
2. Callan, Shead, Olson
3. Greco & Roger

یافته‌ها

این مطالعه با مشارکت ۱۸۱ نفر با میانگین سنی ۲۳ سال، کمترین سن ۱۸ سال و بیشترین سن ۵۰ سال انجام شد.

جدول ۱. اطلاعات سنی نمونه

سن	تعداد	میانگین	کمترین	بیشترین
	۱۸۱	۲۳/۳۵	۱۸	۵۰

در جدول شماره ۲، مشخصات توصیفی نمونه شامل جنس، تحصیلات و میزان درآمد به نمایش درآمده است.

جدول ۲. مشخصات توصیفی نمونه از نظر جنس، تحصیلات و میزان درآمد

شاخص‌ها	متغیرها	تعداد	درصد
جنس	زن	۹۸	۵۴/۱
	مرد	۸۳	۴۵/۹
تحصیلات	لیسانس	۱۲۰	۶۶/۱
	ارشد	۵۴	۲۴/۸
	دکتری	۷	۳/۹
میزان درآمد	کم	۱۱۶	۶۴/۱
	متوسط	۵۶	۳۰/۹
	زیاد	۹	۰/۵

بر اساس نتایج جدول شماره ۲، ۹۸ نفر از آزمودنی‌ها زن (۵۴/۱)، و ۸۳ نفر مرد (۴۵/۹) بوده‌اند. تعداد شرکت کنندگان مقطع لیسانس ۱۲۰ نفر و ارشد و دکتری به ترتیب ۵۴ و ۷ نفر بوده‌اند. همچنین ۶۴/۱ درصد از شرکت کنندگان درآمد کم (۱۱۶ نفر) و ۳۰/۹ درصد درآمد متوسط و تنها ۰/۵ از آنان درآمد بالا داشتند. اطلاعات مربوط به ماتریس همبستگی متغیرها در جدول شماره ۳، آورده شده است.

جدول ۳. ماتریس همبستگی متغیرها

جنس	تحصیلات	محرومیت نسبی شخصی	حس قدرت	عزت نفس	عدم اطمینان	مادی-گرایی	درآمد	۱	۱	
								۱	۱	
								-۰/۰۰۶	۲	
								-۰/۰۰۸	۳	
			۱					-۰/۰۰۵	-۰/۰۲۷	۴
				۱				-۰/۰۱۷	-۰/۰۲۲	۵
					۱			-۰/۱۵۰*	-۰/۰۰۵	۶
						۱		-۰/۱۲۵	-۰/۰۴۳	۷
							۱	-۰/۱۶۹*	-۰/۰۵۸	۸

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

نتایج ماتریس همبستگی متغیرها نشان می‌دهد که میان مادی‌گرایی و عدم اطمینان ($r = 0.285$ ، $p = 0.001$) و محرومیت نسبی شخصی ($r = 0.237$ ، $p = 0.001$) در سطح 0.01 رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ یعنی افزایش هر یک از اینها باعث افزایش مادی‌گرایی می‌شود. همچنین بین عدم اطمینان با عزت نفس ($r = 0.177$ ، $p = 0.017$) و محرومیت نسبی ($r = 0.319$ ، $p = 0.001$) رابطه مثبت و با درآمد ($r = -0.2$ ، $p = 0.007$) و تحصیلات ($r = -0.004$ ، $p = -0.150$) رابطه منفی معنادار وجود داشت. بین عزت نفس و محرومیت نسبی نیز رابطه مثبت و معناداری ($r = 0.43$ ، $p = 0.001$) وجود داشت. حس قدرت نیز با محرومیت نسبی ($r = 0.253$ ، $p = 0.001$) و درآمد ($r = 0.208$ ، $p = 0.005$) رابطه مثبت و معناداری داشت. محرومیت نسبی علاوه بر چهار متغیر دیگر، با میزان درآمد نیز رابطه منفی و معناداری ($r = -0.208$ ، $p = -0.233$) داشت. در جدول شماره ۴ مدل خلاصه شده رگرسیون و آزمون مدل کلی (F) آورده شده است.

جدول ۴. مدل خلاصه شده رگرسیون و آزمون مدل کلی (F)

سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار F	مجموع میانگین	مجموع مجدورات	R2 تعدیل شده	R2	R
	۷		۵۲۰/۶۶۳	۸۴/۷۰۹	۰/۰۸۱	۰/۱۱۷	۰/۳۴۲
-۰/۰۰۳*	۱۷۲	۳/۲۵۸	۲۲/۷۶۷	۳۹۲۶/۳۱۵			
	۱۷۹		۴۴۴۶/۹۷۸				

** $p < 0.01$

نتایج موجود در جدول نشان می‌دهد که تحصیلات، درآمد، جنس، نامطمئنی هیجانی، حس قدرت، عزت نفس و محرومیت نسبی شخصی ۰/۱۱ از واریانس نمرات مادی‌گرایی را پیش بینی می‌کنند ($R^2=0/11$). همچنین نتایج آزمون مدل کلی بیانگر این است که شیب خط صفر نیست و مدل کلی ما تایید می‌شود و از لحاظ آماری ترکیب خطی متغیرها قدرت تبیین مادی‌گرایی را دارند ($F(6, 179)= 3/72$, $P<0/05$). در جدول شماره ۵، خلاصه ضرایب رگرسیون مادی‌گرایی بر اساس عدم اطمینان، عزت نفس، حس قدرت، محرومیت نسبی شخصی، جنس، تحصیلات و درآمد نشان داده شده است.

جدول ۵. خلاصه ضرایب رگرسیون مادی‌گرایی بر اساس عدم اطمینان، عزت نفس، حس قدرت، محرومیت نسبی شخصی، جنس، تحصیلات و درآمد

سطح معناداری	T	بتا	خطای استاندارد	ضریب B	مدل
۰/۰۰۱	۶/۴۷		۵/۳۲۴	۳۴/۴۵۰	ثابت
۰/۰۰۵**	۲/۸۵	-۰/۲۲۳	۰/۰۴۲	-۰/۱۲۱	عدم اطمینان
۰/۴۳۷	-۰/۷۷	-۰/۰۵۷	۰/۲۲۷	-۰/۱۷۷	عزت نفس
۰/۸۸۴	-۰/۱۴	-۰/۰۱۱	۰/۰۶۰	-۰/۰۰۹	قدرت
۰/۰۳۸*	۲/۰۸	-۰/۱۶۷	۰/۱۰۲	۰/۲۱۳	محرومیت نسبی شخصی
۰/۷۳۶	۰/۳۳	-۰/۰۲۴	۰/۷۲۳	-۰/۲۴۴	جنس
۰/۲۴۵	-۱/۱۶	-۰/۰۸۶	۰/۲۶۵	-۰/۳۰۹	تحصیلات
۰/۷۴۴	-۰/۳۲	-۰/۰۲۵	۰/۶۴۰	-۰/۲۰۹	درآمد

* $p<0/05$ ** $p<0/01$

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که پیش‌بینی مادی‌گرایی تنها بر اساس محرومیت نسبی شخصی ($t=۲/۰۸$ ، $B=۰/۲۴۴$) و عدم اطمینان ($t=۲/۱۳$ ، $B=۰/۲۱۶$) از نظر آماری معنادار بود ($p<0/05$).

بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی مادی‌گرایی به عنوان «تفاوت‌های فردی در تأیید ارزش‌ها، اهداف و اعتماد به نفس مردم که قادر به کسب اموال و دارایی‌هایی هستند که وضعیت را تحمیل می‌کند» تعریف می‌شود (دیتمر، باند^۱، هرست^۲ و کاسر، ۲۰۱۴؛ به نقل از کیم و همکاران^۳، ۲۰۱۷). در یک کارگاه در سال ۲۰۱۱ (به نقل از: شروم و همکاران^۴، ۲۰۱۳) مادی‌گرایی از نظر انگیزه‌های نمادین که

1. Bond
2. Hurst
3. kim., Callan, Gheorghiu & Matthews
4. Shrum, Wong, Arif, Chugani, Gunz, Lowrey, Sundie

پایه‌گذار رفتار هستند، تعریف شد که این تعریف نیز دو بعد اجتماعی و هویتی را در افراد مادی‌گرا مدنظر دارد: میزان تلاشی که افراد در ساخت و حفظ خودشان از طریق خرید و استفاده از محصولات، خدمات، تجارب یا روابط که برای ارائه ارزش مطلق نمادین درک می‌شود، مادی‌گرایی تعریف می‌شود. جنبه‌هایی که این تعریف را از دیگر تعاریف متمایز می‌کند، عبارت است از: الف) مبانی انگیزشی مادی‌گرایی را با توجه به ساخت و حفظ هویت فردی مشخص می‌کند؛ ب) مادی‌گرایی را از لحاظ کسب چیزی نه تنها شامل خرید، بلکه کسب از طریق هدیه، وراثت و دیگر معنایی غیر از خرید تعریف می‌کند؛ ج) استفاده از خرید (به عنوان مثال خرید نمایشی)؛ د) شامل نه تنها محصولات و خدمات، بلکه تجربه است (به عنوان مثال تعطیلات، رویدادهای ورزشی) و روابط (مثلاً دوستی، ازدواج) (بلک، ۱۹۸۲)؛ و ه) به ماهیت نمادین خریده‌ها اشاره دارد و به همین ترتیب میزان مصرف و استفاده از آنها به عنوان یک پیام چه برای خود و چه برای دیگران به کار می‌رود (آنچه بلک (۱۹۸۲) به عنوان توسعه خود مطرح کرد). تحقیقات نشان داده است که مادی‌گرایی با عوامل روان‌شناختی مختلفی از جمله نامطمئنی هیجانی، عزت نفس، محرومیت نسبی و حس قدرت ارتباط دارد. تحقیقات نشان داده است افرادی که در عدم اطمینان بالا هستند، اطلاعات مبهم را به گونه‌ای تهدیدکننده‌تر تفسیر می‌کنند. عدم اطمینان به عنوان «عدم توانایی فردی برای تحمل پاسخ واپسگرا ناشی از فقدان درک اطلاعات برجسته، کلیدی یا کافی و درک ادراک مربوط به عدم قطعیت» تعریف شده است (اگلسبی، آلن و اشمیت^۱، ۲۰۱۷). نتایج تحلیل‌های حاضر نشان داد که نامطمئنی با مادی‌گرایی رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد که با نتایج تحقیقات دیگر همسو است؛ از جمله کاسر و کاسر (۲۰۰۱) با تحلیل رویاهای افراد با ارزش‌های مادی‌گرایی بالا دریافتند که این رویاهای پر معنا و پرتاثیر در ارتباط با ناامنی و ارزش‌های خود بود. همچنین با نتایج پژوهش کیم و همکاران (۲۰۱۷)، چانگ و آرکین^۲، ۲۰۰۲؛ به نقل از کیم و همکاران، (۲۰۱۷) و رابرت و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه خود بیان کردند که مادی‌گرایی عمده‌تاً توسط دفاع و نیاز به امنیت احساس می‌شود و همچنین با پژوهش شروع و همکاران (۲۰۱۴) همخوان است. شاید در تبیین آن بتوان گفت که در ایران، بخصوص در میان جمعیت جوانان و بالاخص جوانان دانشجو عدم اطمینان زیادی از آینده شغلی، تحصیلی و بسیاری از موارد دیگر وجود دارد که باعث می‌شود، شرایط را به گونه‌ای تهدیدکننده تفسیر کنند و در نتیجه برای مقابله با این تهدید به مادی‌گرایی بیشتری روی آورند.

دیگر پیشایندهای روان‌شناختی مادی‌گرایی حس قدرت است. هم ردیف با بسیاری از نظریه پردازان دیگر، قدرت به عنوان یک توانایی فردی برای تأثیر روی شخص دیگر یا افراد دیگر

1. Oglesby, Allan, Schmidt
2. Chang & Arkin

تعریف می‌شود (کوپلند^۱، ۱۹۹۴؛ فرنچ و ریون^۲، ۱۹۵۹؛ گلدهامر و شیلز^۳، ۱۹۳۹؛ تیپوت و (۱۹۵۹). بنابراین، قدرت یک مفهوم اجتماعی-ارتباطی و یک قدرت شخصی است که می‌تواند، تنها در ارتباط با افراد دیگر یا گروه افراد درک شود (تیپوت و کلی، ۴۹۵۹؛ امرسون^۵، ۱۹۶۲؛ به نقل از آندرسون، جان و کلتنر، ۲۰۱۲). نتایج این پژوهش نیز نشان داد حس قدرت با مادی-گرایی رابطه معناداری ندارد که با تحقیقات کیم و همکاران (۲۰۱۷)، راکر و گالینسکی^۶، (۲۰۰۸) به نقل از کیم و همکاران (۲۰۱۷) ناهمسو است. می‌توان این ناهمسویی را ناشی از تفاوت‌های فرهنگی دانست که معمولاً در فرهنگ‌های جمع‌گرا همچون جامعه ایران بر قدرت شخصی تأکید زیادی ندارند.

نتایج این پژوهش نشان داد که میان مادی‌گرایی با عزت نفس رابطه‌ای وجود ندارد. این نتیجه با نتایج پژوهش کیم و همکاران (۲۰۱۷)، جیانگ و همکاران (۲۰۱۵)، کریستوفر و همکاران^۷، ۲۰۰۶؛ ریچاردز و داوسون، ۱۹۹۲؛ به نقل از رابرت و همکاران (۲۰۱۵)، ناهمسو است. در واقع بر اساس این پژوهش‌ها هر چه میزان عزت نفس فرد کمتر باشد، میزان مادی-گرایی وی بالا خواهد بود و به عبارتی مادی‌گرایی عزت نفس افراد را بهبود می‌بخشد اما در نمونه ایرانی این نتیجه تأیید نشد. توجیه محتمل برای این نتیجه می‌تواند، این باشد که نمونه ما دانشجویان و البته از یکی از بهترین دانشگاه‌های ایران بودند و اینکه آنها توانسته بودند از سدی به نام کنکور که در جامعه ما غول بزرگی است، رد شوند و وارد یکی از بهترین دانشگاه‌های کشور شوند و لذا می‌توان گفت که عزت نفس لازم در زندگی را داشته‌اند و نیازی نبوده که با مادی‌گرایی آن را جبران کنند. شاید بعدها با افزایش سن و درگیری بیشتر با مسائل زندگی، نتیجه متفاوت باشد.

دیگر پیشایندهای روان‌شناختی ماتریالیسم، محرومیت نسبی شخصی است که در واقع به احساس خشم اشاره دارد؛ خشونت ناشی از ادراک محرومیتی که یک گروه یا یک نفر از نتیجه شایستگی نسبت به سطوح ثابت (اغلب افراد یا گروه‌های دیگر) به وجود می‌آید (ژانگ، تیان، لی، یو و لیو^۸، ۲۰۱۵). رانسیمن^۹ (۱۹۹۶)، چهار پیش شرط را برای محرومیت نسبی که شامل میل برای یک پیامد خاص، مقایسه خود شخص با دیگران، احساس محق بودن برای داشتن این پیامد و باور به این که ممکن است این پیامد را به دست بیاورند، قرار داده است. بیشتر

1. Copeland
2. French & Raven
3. Goldhamer & Shiels
4. Thibaut & Kelley
5. Emerson
6. Rucker & Galinsky
7. Christopher, Drummond, Jones, Marek, & Therriault
8. Zhang, Tian, Lei, Yu, Liu
9. Runciman

تحقیقات در مورد محرومیت نسبی شامل استفاده از اندازه‌های اقتصادی است تا محرومیت نسبی را مشخص کنند؛ به‌عنوان مثال از طریق تعریف نابرابری درآمد (جانز و ویلدمن^۱، ۲۰۰۸؛ ویلکنسون و پیکت، ۲۰۰۷؛ ینگو و همکاران^۲، ۲۰۰۳)، دیگران؛ محرومیت نسبی سطح جمعیت را در شرایط اجتماعی- اقتصادی عینی گسترده‌تری اندازه گرفتند (یتزاکي^۳، ۱۹۷۹؛ به نقل از بشایی و همکاران^۴، ۲۰۱۷). کیم و همکاران (۲۰۱۷) رابطه آن را با مادی‌گرایی اندازه گرفتند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که میان مادی‌گرایی و محرومیت نسبی شخصی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این رابطه با نتیجه پژوهش‌های مختلف همسو بوده است. از جمله کیم و همکاران (۲۰۱۷)، شید و همکاران^۵ (۲۰۱۵) و کیم و همکاران (۲۰۱۵) که نشان دادند، محرومیت نسبی شخصی بیش از متغیرهای دیگر مادی‌گرایی را پیش‌بینی می‌کند. با توجه به اینکه در جامعه ما تفاوت‌های طبقاتی بالا می‌باشد، داشتن احساس محرومیت نسبی، امری واضح است و افراد برای رهایی از این حس و برابری با کسانی که از نظر مادی در سطح بالاتری هستند، به مادی‌گرایی گرایش پیدا می‌کنند.

فرضیه محرومیت نسبی شخصی نشان می‌دهد که نابرابری سطوح فردی، مقایسه اجتماعی- اقتصادی را تحریک می‌کند که منجر به ارتباطات اجتماعی ضعیف می‌شود؛ به همین ترتیب منجر به استرس و سرانجام، سلامت روانی و بهزیستی ضعیف‌تر می‌شود (ویلکنسون و پیکت^۶، ۲۰۰۶، ۲۰۰۶، ۲۰۰۹). به‌طور کلی محرومیت نسبی می‌تواند، به‌عنوان پاسخ مؤثر (مانند یک پاسخ هیجانی که در ناکامی، خشم و یا غیظ) به محرومیت درک شده از نتایج مطلوب یا سزاوار نسبت به دیگران تصور شود (برنستین و کرسبی^۷، ۱۹۸۰؛ اسمیت و هو^۸، ۲۰۱۴). مطالعات تجربی نشان داده است که محرومیت نسبی در بسیاری از فرآیندهای شخصی و اجتماعی از جمله سلامت جسمانی و رفاه روان‌شناختی، نگرش‌های گروهی و اقدام جمعی نقش دارد (اسمیت و همکاران^۹، ۲۰۱۲). اگرچه به‌طور کلی به‌عنوان یک پاسخ موقعیتی به درمان بی‌عدالتی جمعی یا بی‌عدالتی فردی، تلقی می‌شود؛ اما محرومیت نسبی می‌تواند به‌عنوان یک تفاوت فردی نسبتاً پایدار درک شود. بعضی از افراد لزوماً کسانی که کاملاً محروم هستند، مستعد ابتلا به محرومیت نسبت به دیگران هستند. چنین تفاوتی با نتایج معنی‌دار مرتبط است. به‌عنوان مثال شید و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۵) در پژوهش خود دریافتند، تفاوت فردی

1. Jones and Wildman
2. Yngwe
3. Yitzhaki
4. Beshai, Mishra, Meadows, Parmar, Huang
5. Shead, Ellard, Callan & Hodgins
6. Wilkinson and Pickett
7. Bernstein and Crosby
8. Smith and Huo
9. Smith, Pettigrew, Pippin, Bialosiewicz
10. Shead, Ellard, Callan & Hodgins

در محرومیت نسبی شخصی (به این معنی که چیزی که فرد نسبت به دیگران شایسته دریافت است، دریافت نمی‌کند) منجر به واریانس قابل توجهی در مادی‌گرایی می‌شود. همچنین میان مادی‌گرایی با میزان درآمد رابطه‌ای وجود نداشت که با نتیجه پژوهش کیم و همکاران (۲۰۱۷) همسو بود. یعنی میزان درآمد افراد نمی‌تواند مادی‌گرایی آنان را پیش‌بینی بکند.

نتایج تحلیل رگرسیون خطی چندگانه نیز نشان داد که در نمونه ایرانی، پیش‌بینی مادی‌گرایی تنها بر اساس عدم اطمینان و محرومیت نسبی شخصی از نظر آماری معنادار است؛ یعنی هر چه میزان عدم اطمینان و محرومیت نسبی شخصی در افراد بالا باشد به همان میزان مادی‌گرایی را در آنان پیش‌بینی می‌کند. در حالی که در پژوهش کیم و همکاران (۲۰۱۷) نتیجه تحلیل رگرسیون نشان داد که مادی‌گرایی بر اساس تمام متغیرها بجز تحصیلات و درآمد قابل پیش‌بینی است. در توجیه نتایج به دست آمده می‌توان گفت، احتمالاً چون نمونه پژوهش حاضر دانشجوی و به تعبیری جزء اقشار فرهیخته جامعه در دانشگاه تهران بودند و عزت نفس لازم را داشته‌اند، نتیجه معنی‌دار نشده است. در تبیین این نتایج نباید از تفاوت‌های فرهنگی بین جامعه ایرانی و جوامع دیگر از لحاظ باورهای مرتبط با زندگی، سبک تربیتی، اعتقادات مذهبی و موارد بسیار دیگر که احتمالاً در این نتیجه تأثیرگذار بوده‌اند، غافل شد. به‌طور کلی، ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی مادی‌گرایی بر فرضیه اجتماعی کردن آن تأکید می‌کنند (دیتمار^۱، ۲۰۰۸؛ کاسر، رایان، کوچمن و شلدون^۲، ۲۰۰۳) که مبتنی بر این فرض است که تأثیر استانداردهای مادی‌گرایانه از طریق فشار ضمنی و صریح ناشی از مواجهه با ارزش‌ها و سبک زندگی اعضای خانواده و همسالان و همچنین پیام‌هایی که توسط رسانه و تبلیغات رسانده شده است، می‌باشد. در این زمینه، متصرفات مادی یکی از عناصر عمده یک سیستم ارتباط اجتماعی و تأیید جستجوی افراد برای هویت می‌شود (دیتمار، ۲۰۰۸).

از جمله محدودیت‌های این کار می‌توان به این نکات اشاره کرد که نمونه فقط دانشجویان بودند و لذا پیشنهاد می‌شود که در کارهای بعدی حتماً رابطه مادی‌گرایی با متغیرهای دیگر، به ویژه متغیرهایی که خاص فرهنگ ایرانی هستند و نیز در نمونه‌های دیگری مانند دانش‌آموزان، کارمندان، افراد مسن و... مورد بررسی قرار گیرد.

1. Dittmar
2. Kasser, Ryan, Couchman, & Sheldon

منابع

- Anderson, C., John, O. P., and Keltner, D. (2012). The Personal Sense of Power. *Journal of Personality* 80:2.
- Beshai. SH., Mishra. S., Meadows. T. J. S., Parmar. P., Huang. V. (2017). Minding the gap: Subjective relative deprivation and depressive symptoms. *Social Science & Medicine* 173, 18e25.
- Callan. M. J., Shead. N. W., Olson. J. M. (2011). Personal relative deprivation, delay discounting, and gambling. *Journal of Personality and Social Psychology*, 101, 955-973.
- Greco. V., & Roger. D. (2001). Coping with uncertainty: The construction and validation of a new measure. *Personality and Individual Differences*, 31, 519–534.
- Górnik-Durose. M. E., Pilch. I. (2016). The dual nature of materialism. How personality shapes materialistic value orientation. *Journal of Economic Psychology* 57: 102–116.
- Jiang. J., Zhang. Y., Ke. Y., Hawk. S. T., Qiu. H. (2015). Can't buy me friendship? Peer rejection and adolescent materialism: Implicit self-esteem as a mediator. *Journal of Experimental Social Psychology* 58: 48–55.
- Kasser, T., Ryan, R. M., Couchman. C. E., Sheldon. K. M. (2004). Materialism values: Their causes and consequences. In T. Kaseer & A. D. Kanner (Eds), *Psychology and consumer culture: The struggle for a good lif in a materialism world* (pp. 11_28). Washington, DC: *American Psychological Association*.
- kim. H., Callan. M. J., Gheorghiu. A. L., & Matthews. W. J. (2017). Social comparison, personal relative deprivation, and materialism. *The British Psychological Society* 56: 373-392.
- Kocur, D. J. (2017). The Need for Power and Influence, Sense of Power and Directiveness among Teachers. *THE NEW EDUCATIONAL REVIEW*. DOI: 10.15804/tner.2017.48.2.21.
- Mary. E., Oglesby. A., Nicholas. P., Allan. B., Norman. B. (2017). Schmidt. Randomized control trial investigating the efficacy of a computerbased intolerance of uncertainty intervention. *Behaviour Research and Therapy* 95: 50e57
- Müller. A., Smits. D. J. M., Claes. L., Gefeller. O., Hinz. A., de Zwaan. M. (2013). The German version of the Material Values Scale. *GMS Psycho-Social-Medicine* 2013, Vol. 10, ISSN 1860-5214.
- Posten. A-CH., Mussweiler. TH. (2017). that certain something! Focusing on similarities reduces judgmental uncertainty. *Cognition* 165: 121–125.
- Richins, M. L., Dawson, S. (1992). A consumer values orientation for materialism and its measurement: Scale development and validation. *Journal of Consumer Research*, 19, 303-316. Doi: 10. 1086/209304.
- Robert, J.A., Tsang, J., Manolis, C. (2015). Looking for happiness in all the wrong places: the moderating role of gratitude and affect in

- materialism-life satisfaction relationship. *The Journal of Positive Psychology* 10:6, 489_498.
- Ronnel B. King, Jesus Alfonso D. Datu. (2017). Materialism does not pay: Materialistic students have lower motivation, engagement, and achievement. *Contemporary Educational Psychology* 49: 289–301.
 - Shrum. L. J., Lowerey. T. M., Pandelaere. M., Ruvio. A.A., Gentina. E., Furchheim. P., Herbert. M., Hudders. L., Lens. I., Mandel. N., Narin. A., Samper. A., Soscia. I., Steinfield. L. (2014). Materialism: the good, the bad, and the ugly. *Journal of marketing management* 30: 17-18.
 - Villardefrancos. E., Otero-López. J. M. (2016). Compulsive buying in university students: its prevalence and relationships with materialism, psychological distress symptoms, and subjective well-being. *Comprehensive Psychiatry* 65: 128–135.
 - Zhang. H., Tian. Y., Lei. B., Yu. S., Liu. M. (2015). Personal Relative Deprivation Boots Materialism. *Basic and Applied Social Psychology*, 37: 247-259. DOI: 10.1080/01973533.2015.1072090.

